



Research paper

(Received 7 Feb. 2026

Accepted 6 May 2026)

Regenerating Iran's Public Spaces through Community Gardens as an Iranian-Islamic Third Place

Farzad Mohammadi^{*1}, Mahdi Zandieh²

¹ *Postdoctoral Researcher, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Imam Khomeini International University (IKIU).*

² *Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Imam Khomeini International University (IKIU)*

Abstract

Community gardens, rooted in Iranian-Islamic culture, have experienced extensive growth in recent years, particularly following the COVID-19 pandemic, emerging as a widespread phenomenon in Iran's metropolises. This study aimed to recognize them as an "Iranian-Islamic third place" within the framework of urban regeneration, employing a systematic review and qualitative meta-synthesis based on the PRISMA 2020 protocol. A search in national and international scientific databases (2019-2025) led to the selection of 60 final studies. Qualitative analysis using MAXQDA software extracted six main themes: alignment with the characteristics of the Iranian-Islamic third place (90%), social role in neighborhood regeneration (87%), environmental role and climate resilience (80%), nutritional role and local food security (73%), contextual moderating factors (70%), and outcomes of urban regeneration and identity revival (83%). The results indicate that by integrating Oldenburg's eight features and components of Iranian-Islamic identity, community gardens have filled the post-pandemic gap in informal interactions and contributed to reducing the urban heat island effect, strengthening food security, and the sustainable regeneration of dilapidated urban fabrics. By presenting a native framework for the "Iranian-Islamic third place," this research introduces an operational model for the integrated management of the urban environment and public spaces and suggests that these gardens be prioritized as "community-driven and resilient regeneration cores" in the planning and policymaking of urban environmental management.

Keywords: Community gardens, Iranian-Islamic third place, sustainable urban regeneration, physical-social identity, urban resilience.

* Corresponding Author: Farzad Mohammadi
Email: Farzad.mohammadi6698@iaui.ir
Phone: 09125398943



مقاله پژوهشی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸

بازآفرینی فضاهای عمومی ایران از طریق باغچه‌های اشتراکی محله‌ای به مثابه مکان سوم ایرانی - اسلامی

فرزاد محمدی*^۱، مهدی زندیه^۲

^۱ پژوهشگر پس‌دکتری گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.
^۲ استاد گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

چکیده

باغچه‌های اشتراکی محله‌ای که ریشه در فرهنگ ایرانی - اسلامی دارند، در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از همه‌گیری کووید-۱۹، در کلان‌شهرهای ایران به‌صورت گسترده‌ای رشد کرده‌اند. این پژوهش باهدف بازشناسی این باغچه‌ها به‌عنوان «مکان سوم ایرانی - اسلامی» در چارچوب بازآفرینی شهری، به روش مرور نظام‌مند و فراتحلیل کیفی (متاسنتز) بر اساس پروتکل PRISMA ۲۰۲۰ انجام شده است. جست‌وجو در پایگاه‌های علمی داخلی و بین‌المللی (۱۳۹۸-۱۴۰۴) به انتخاب ۶۰ مطالعه نهایی انجامید. تحلیل کیفی با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA منجر به استخراج شش تم اصلی شد: انطباق با ویژگی‌های مکان سوم ایرانی - اسلامی (۹۰٪)، نقش اجتماعی در بازآفرینی محله‌ای (۸۷٪)، نقش زیست‌محیطی و تاب‌آوری اقلیمی (۸۰٪)، نقش تغذیه‌ای و امنیت غذایی محلی (۷۳٪)، عوامل تعدیل‌کننده بافتی (۷۰٪) و پیامدهای بازآفرینی شهری و احیای هویت (۸۳٪). نتایج نشان می‌دهد باغچه‌های اشتراکی با تلفیق ویژگی‌های هشت‌گانه اولدنبورگ و مؤلفه‌های هویت ایرانی - اسلامی، خلأ تعاملات غیررسمی پساکروناپی را پر کرده و به کاهش جزیره حرارتی شهری، تقویت امنیت غذایی و بازآفرینی پایدار بافت‌های فرسوده یاری رسانده‌اند. این پژوهش با ارائه چارچوبی بومی برای «مکان سوم ایرانی - اسلامی»، الگویی عملیاتی برای مدیریت یکپارچه محیط‌زیست و فضاهای عمومی شهری معرفی می‌کند و پیشنهاد می‌دهد که این باغچه‌ها به‌عنوان «هسته‌های بازآفرینی اجتماع‌محور و تاب‌آور» در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های مدیریت محیط‌زیست شهری در اولویت قرار گیرند.

کلمات کلیدی: باغچه اشتراکی محله‌ای، مکان سوم ایرانی - اسلامی، بازآفرینی شهری پایدار، هویت کالبدی - اجتماعی، تاب‌آوری شهری.

۱- مقدمه

شهرهای امروزی ایران با تحولات سریع اجتماعی و کالبدی مواجه شده‌اند که به تضعیف فضاهای عمومی به‌عنوان عرصه‌های زیست جمعی انجامیده است [۱]. این فضاها نه تنها برای تردد و تفریح اهمیت دارند، بلکه بستری اساسی برای تعاملات اجتماعی، تقویت سرمایه اجتماعی، ترویج حس تعلق به مکان و بازسازی هویت ایرانی - اسلامی محسوب می‌شوند [۲، ۳]. در شهرسازی ایرانی - اسلامی، الگوهای سنتی مانند: حیاط مرکزی، مسجد محله، چایخانه و ساباط از نمونه‌های اولیه «مکان سوم» به شمار می‌رفتند [۴، ۵، ۶]. این روزمره و همکاری جمعی را تسهیل می‌کردند. با این حال، روند شتابان نوسازی و گسترش شهرنشینی در قرن گذشته، این الگوهای بومی را کم‌رنگ کرده و منجر به شکل‌گیری شکافی عمیق در فضاهای عمومی معاصر شده است. چالش اصلی در این فرایند، کاهش تعاملات اجتماعی غیررسمی، تضعیف سرمایه اجتماعی و از بین رفتن حس تعلق مکانی است که تحت تأثیر این تحولات و پیامدهای همه‌گیری کووید-۱۹ تشدید شده است. باغچه‌های اشتراکی محله‌ای که ریشه در سنت‌های ایرانی مانند حیاط مرکزی و وقف زمین دارند، در سال‌های اخیر رشد چشمگیری یافته‌اند و پتانسیل پرکردن این خلأ را دارا هستند. با این حال، بررسی یکپارچه آن‌ها به‌عنوان مکان سوم بومی در چارچوب بازآفرینی شهری همچنان مغفول مانده است.

پژوهش حاضر سه هدف اصلی را دنبال می‌کند: نخست، بازنشانی باغچه‌های اشتراکی محله‌ای به‌عنوان نمونه‌ای از «مکان سوم» در بستر ایرانی - اسلامی؛ دوم، بررسی نقش‌های چندگانه این باغچه‌ها در ابعاد اجتماعی، زیست‌محیطی و تغذیه‌ای؛ و سوم، ارائه چارچوبی عملی و بومی برای سیاست‌گذاری شهری در جهت بازآفرینی پایدار فضاهای عمومی. این پژوهش نمونه‌ای عینی از یک مطالعه بین‌رشته‌ای است که در تقاطع سه حوزه مدیریت شهری، برنامه‌ریزی فضایی و مهندسی محیط‌زیست شهری قرار می‌گیرد و پاسخی کاربردی به چالش‌های مدیریت یکپارچه فضاهای سبز و عمومی در شهرهای ایران ارائه می‌دهد.

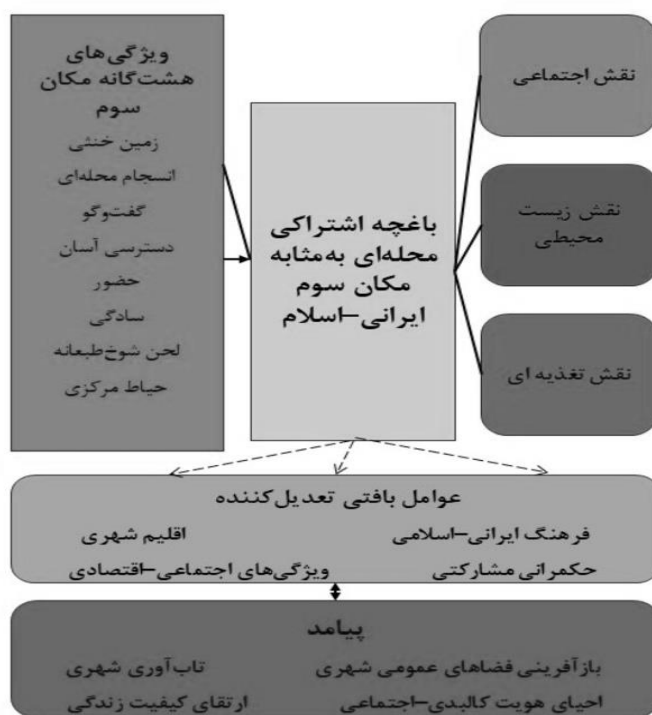
این بررسی از این جهت اهمیت دارد که سند ملی بازآفرینی شهری پایدار هرچند بر مشارکت شهروندی و احیای فضاهای عمومی تأکید دارد، اما کمبود مدل‌های عملی، کم‌هزینه و بومی - مانند: باغچه‌های اشتراکی - را به‌وضوح احساس می‌کند. از سوی دیگر، نظریه مکان سوم اولدنبورگ نیز نیازمند بومی‌سازی و همخوانی با عناصر ایرانی - اسلامی است تا بتواند به چالش‌های تعاملات اجتماعی در دوره پساکرونا در شهرهای ایران پاسخ مناسبی بدهد [۷]. پرسش «فضای عمومی برای کیست؟» را در بافت محلی ایران بررسی کند [۲۶]. نظریه مکان سوم اولدنبورگ فضاهایی غیررسمی، فراگیر و مبتنی بر گفت‌وگوی داوطلبانه را توصیف می‌کند که خارج از خانه (مکان اول) و محل کار (مکان دوم) قرار گرفته‌اند. این نظریه چارچوبی شناخته‌شده برای تحلیل کیفیت فضاهای عمومی محسوب می‌شود. اولدنبورگ هشت ویژگی کلیدی برای این فضاها برمی‌شمارد: زمین خنثی، یکسان‌سازی اجتماعی، گفت‌وگو به‌عنوان فعالیت اصلی، دسترسی آسان، حضور افراد ثابت، طراحی ساده و فروتنانه، لحن شوخ‌طبع و حس خانه دوم بودن. پژوهش‌های بعدی این چارچوب را به حوزه‌هایی مانند فضاهای هیبریدی، پایداری زیست‌محیطی و سلامت‌محوری گسترش داده‌اند. در بافت ایرانی - اسلامی، مصادیق تاریخی مکان سوم در حیاط مرکزی خانه‌های سنتی، مسجد محله، چایخانه، ساباط و بازار قابل‌ردیابی است که با ارزش‌های وقف زمین برای عام‌المنفعه، تعاون همسایگی و نیکوکاری پیوند عمیق داشتند [۳، ۴، ۱۰] و به شکل‌گیری «حس مکان» پایدار در محلات کمک می‌کردند [۲۷]. پژوهش حاضر با تلفیق ویژگی‌های هشت‌گانه اولدنبورگ و مؤلفه‌های هویت ایرانی - اسلامی، چارچوبی بومی برای سنجش مکان سوم در پروژه‌های عملی معاصر ارائه می‌کند.

هم‌زمان، رویکرد بازآفرینی شهری پایدار به‌عنوان راهبرد ملی کشور، بر احیای بافت‌های فرسوده و بی‌هویت از طریق مشارکت شهروندان، تقویت سرمایه اجتماعی و بازگرداندن حیات به فضاهای عمومی تأکید دارد [۱۱، ۱۲]. در همین چارچوب، پدیده نوظهور باغچه‌های اشتراکی محله‌ای در دهه اخیر و به‌ویژه پس از همه‌گیری کووید-۱۹، به‌سرعت از یک اقدام صرفاً زیست‌محیطی به یک آزمایشگاه اجتماعی برای بازتعریف فضاهای عمومی به شیوه پایین‌به‌بالا تبدیل شده است. این باغچه‌ها با تلفیق کارکردهایی مانند تولید غذا، فعالیت جمعی، خنک‌سازی محله‌ای و تعاملات محلی، این پتانسیل را دارند که نقش‌های چندگانه اجتماعی، زیست‌محیطی و تغذیه‌ای را در یک مکان واحد ایفا کنند [۱۳، ۱۴، ۱۵].

با وجود مطالعات پراکنده‌ای که در زمینه جنبه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی یا مدیریتی باغچه‌های اشتراکی در ایران منتشر شده، هنوز پژوهشی یکپارچه این پدیده را در تقاطع سه حوزه «نظریه مکان سوم»، «بازآفرینی شهری» و «ویژگی‌های ایرانی - اسلامی» مورد بررسی قرار نداده است. جدول ۱ مقایسه‌ای این وضعیت را نشان می‌دهد.

جدول ۱. مرور مقایسه‌ای پیشینه تحقیق و خلأهای پنج‌گانه شناسایی شده (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۴)

ردیف	محور موضوعی	تمرکز تحقیقات داخلی (نمونه‌های کلیدی)	تمرکز تحقیقات خارجی (نمونه‌های کلیدی)	خلأ پژوهشی شناسایی شده
۱	مکان سوم و فضای عمومی	تحلیل تاریخی و محله‌محوری فضاهای سنتی؛ نقش عناصر منظر شهری در خلق مکان سوم [۴، ۱۰، ۳]	شاخص‌های کمی و کیفی مکان سوم در فضاهای عمومی معاصر [۷، ۸]	فقدان مدل بومی ایرانی - اسلامی برای سنجش مکان سوم در پروژه‌های عملی معاصر
۲	بازآفرینی شهری پایدار	مشارکت شهروندی و سرمایه اجتماعی در بافت فرسوده [۲، ۱۲]	پیوند بازآفرینی با تاب‌آوری اجتماعی - زیستی [۱۷]	غفلت از پروژه‌های کوچک‌مقیاس و کم‌هزینه به‌عنوان هسته آغازین بازآفرینی اجتماع‌محور
۳	باغچه‌های اشتراکی و کشاورزی شهری	انگیزه مشارکت، چالش‌های مدیریتی و امنیت غذایی [۱۳، ۱۸، ۱۹]	تحلیل چند کارکردی اجتماعی - زیست‌محیطی - تغذیه‌ای [۱۴، ۱۵]	عدم مطالعه یکپارچه پدیده باغچه اشتراکی در تقاطع مکان سوم و بازآفرینی شهری
۴	هویت ایرانی - اسلامی در فضاهای عمومی	احیای الگوهای سنتی محله‌محوری و حیاط مرکزی [۳، ۱، ۶]	بومی‌سازی نظریه‌های غربی در بافت‌های غیرغربی [۲۶]	عدم پیوند باغچه‌های مدرن با ارزش‌های وقف، تعاون همسایگی و نیکوکاری
۵	تاب‌آوری شهری پساکروناپی	اثرات همه‌گیری بر فضاهای عمومی و انزوای اجتماعی [۱۳، ۲۰]	مکان سوم به‌عنوان ابزار تاب‌آوری اجتماعی - زیستی [۱۴، ۱۵]	عدم بررسی باغچه‌های اشتراکی به‌عنوان مکان سوم تاب‌آور بومی در چارچوب بازآفرینی ایران



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش: باغچه اشتراکی محله‌ای به‌مثابه مکان سوم ایرانی - اسلامی (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۴)

شکل ۱ مدل مفهومی این پژوهش را نشان می‌دهد. در این مدل، یک باغچه اشتراکی محله‌ای به‌عنوان نمونه‌ای از یک «مکان سوم ایرانی - اسلامی» در نظر گرفته شده است. این فضا با ترکیب ویژگی‌های هشت‌گانه اولدنبرگ [۷] و مؤلفه‌های هویت ایرانی - اسلامی - مانند: وقف، تعاون میان همسایگان، نیکوکاری، معماری حیاط مرکزی و نهادهای محلی - مذهبی عمل می‌کند. در نهایت، این ترکیب به پیامدهای مثبت اجتماعی، زیست‌محیطی و کالبدی - تغذیه‌ای منجر شده و نقش مؤثری در بازآفرینی پایدار فضاهای عمومی شهری در ایران ایفا می‌کند.

۲- مواد و روش‌ها

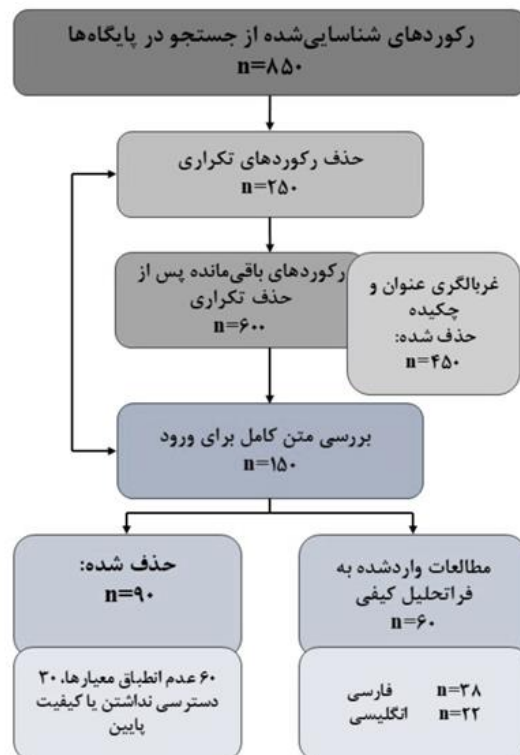
این پژوهش به صورت یک مرور نظام‌مند و با بهره‌گیری از فراتحلیل کیفی انجام شده است. هدف اصلی، واکاوی باغچه‌های اشتراکی محله‌ای است که در چارچوب مفهومی «مکان سوم» با رویکرد ایرانی - اسلامی و در ارتباط با بازآفرینی فضاهای عمومی شهری در ایران قرار می‌گیرند. برای آنکه فرایند جستجو و گزینش مطالعات، کاملاً ساختاریافته و شفاف باشد، از پروتکل PRISMA ۲۰۲۰ [۲۱] استفاده شد. جستجوی اولیه در پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی از جمله SID، MagIran، Noormags، Civilica و همچنین پایگاه‌های بین‌المللی مانند Scopus و Web of Science انجام گرفت. این جستجو بر بازه زمانی ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۴ خورشیدی (معادل ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۵ میلادی) متمرکز بود تا مطالعات جدید و مرتبط با گسترش باغچه‌های اشتراکی در دوران پس از همه‌گیری کرونا را پوشش دهد. علاوه بر این، مطالعات پایه و کلیدی قدیمی‌تر، مانند نظریه مکان سوم اولدنبرگ و روش‌شناسی فراترکیب که سنگ بناهای چارچوب نظری و روش‌شناختی این پژوهش هستند، به صورت هدفمند و بر اساس شناخت عمیق پیشینه انتخاب و در تحلیل‌ها وارد شدند.

در نهایت، تحلیل کیفی یافته‌ها بر اساس رویکرد «فراترکیب کیفی» ساندولوفسکی و همکاران (۲۰۰۷) [۲۲] و با کمک نرم‌افزار MAXQDA صورت پذیرفت. به منظور افزایش اعتبار و پایایی کدگذاری‌ها، از روش توافق بین کدگذاران و بررسی هم‌تأی استفاده شد. بدین ترتیب که دو پژوهشگر به صورت مستقل اقدام به کدگذاری ۲۰٪ از مطالعات منتخب (۱۲ مطالعه) نمودند. میزان توافق بین ایشان با استفاده از ضریب کاپای کوهن [۲۹] محاسبه گردید که مقدار ۸۴/۰ به دست آمد و بر اساس معیارهای مرسوم، در محدوده توافق عالی قرار می‌گیرد. موارد اختلافی در کدگذاری‌ها طی جلسات بحث گروهی با حضور پژوهشگر سوم مورد بازبینی قرار گرفته و پس از حصول توافق، کدگذاری نهایی بر روی تمامی مطالعات اعمال شد. این فرایند ضمن افزایش دقت و عینیت تحلیل‌ها، امکان بازبینی و راستی‌آزمایی یافته‌ها توسط سایر محققان را نیز فراهم می‌سازد. این رویکرد، امکان ترکیب نظام‌مند نتایج مطالعات پراکنده و همچنین توجه ویژه به مؤلفه‌های بومی همچون تعاون، نیکوکاری و وقف را در بستر فرهنگی ایرانی - اسلامی فراهم کرد.

جدول ۲ معیارهای انتخاب مطالعات را نشان می‌دهد. هدف از تعیین این معیارها، تمرکز بر منابع معتبر، مرتبط و باکیفیت بود. به این ترتیب، تنها مطالعاتی وارد فراتحلیل شدند که به طور مستقیم به بررسی پدیده باغچه‌های اشتراکی محله‌ای در چارچوب مفاهیم مکان سوم، بازآفرینی شهری و هویت ایرانی - اسلامی می‌پرداختند. در انتخاب منابع، اولویت با مقالات پژوهشی داوری‌شده بود و مواردی مانند پایان‌نامه‌ها یا گزارش‌های غیرعلمی حذف شدند تا اعتبار و تکرارپذیری نتایج افزایش یابد. همچنین، با اعمال محدودیت زمانی (۱۳۹۸-۱۴۰۴)، مطالعات جدیدی که پس از گسترش این باغچه‌ها، به‌ویژه در دوره پس از کووید-۱۹، انجام شده بودند نیز پوشش داده شدند.

جدول ۲. معیارهای ورود و خروج مطالعات (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۴)

معیار	ورود	خروج
نوع مطالعه	مقالات پژوهشی معتبر، ISC یا Scopus، و موارد کنفرانسی داوری‌شده	پایان‌نامه‌ها، گزارش‌های غیرعلمی یا مقالات کوتاه بدون روش‌شناسی
زبان	فارسی و انگلیسی	سایر زبان‌ها
بازه زمانی	۱۳۹۸ تا ۱۴۰۴ شمسی	خارج از این بازه
محتوا	تمرکز بر باغچه‌های اشتراکی یا نقش‌های اجتماعی، زیست‌محیطی و تغذیه‌ای در فضاهای عمومی	موارد صرفاً تاریخی یا کشاورزی تجاری بدون پیوند شهری
دسترسی و کیفیت	متن کامل موجود و کیفیت روش‌شناختی مناسب	عدم دسترسی یا مطالعات با مشکلات جدی روش‌شناختی



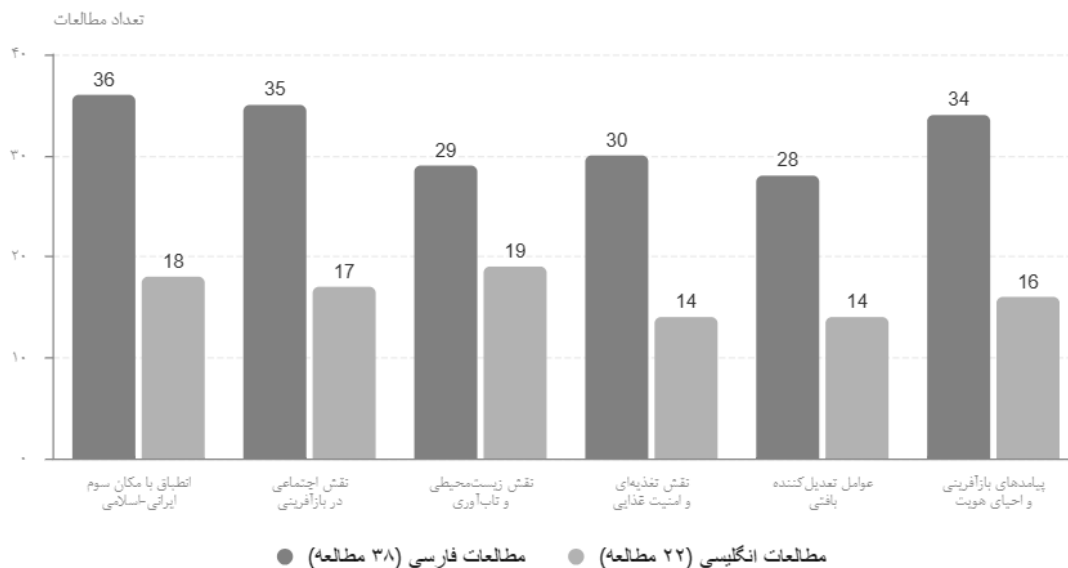
شکل ۲. نمودار جریان PRISMA برای فرایند انتخاب مطالعات (منبع: نگارندگان، ۲۰۲۱)

شکل ۲ نمودار جریان فرایند PRISMA ۲۰۲۰ را بر اساس راهنمای استاندارد نمایش می‌دهد. این نمودار مراحل غربالگری را به صورت گام به گام (شناسایی رکوردها، غربالگری اولیه، ارزیابی واجد شرایط بودن و انتخاب نهایی مطالعات) به طور واضح نشان می‌دهد. مدیریت رکوردها (شامل حذف موارد تکراری، غربالگری عنوان/چکیده و بررسی متن کامل) با استفاده از نرم‌افزار EndNote انجام شد.

۳- بحث و نتایج

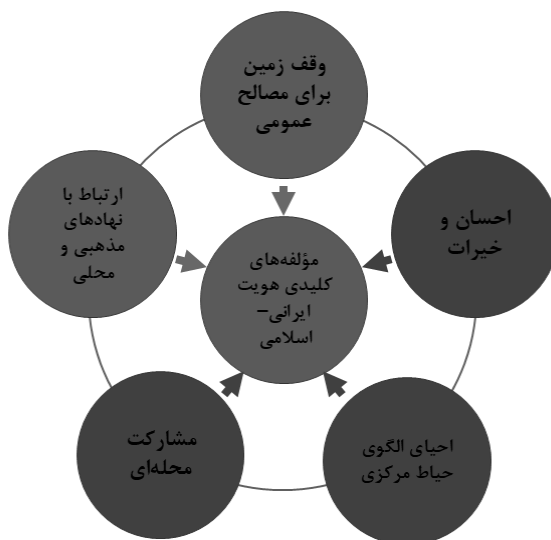
از میان ۶۰ مطالعه نهایی که در فرایند غربالگری PRISMA انتخاب شدند (۳۸ مورد از منابع فارسی عمدتاً مرتبط با کلان‌شهرهای ایران مانند تهران، مشهد و اصفهان، و ۲۲ مورد از منابع انگلیسی با تمرکز بر تجربیات جهانی در اروپا، آمریکای شمالی و آسیا)، انتخاب شدند. یافته‌ها نشان می‌دهند که این باغچه‌ها صرفاً یک فضای سبز معمولی نیستند، بلکه به عنوان عرصه‌ای چند عملکردی عمل می‌کنند که هم تعاملات اجتماعی روزمره را تقویت می‌کنند و هم پاسخگوی چالش‌هایی نظیر انزوای پس از کرونا، گرمایش محلی و ناامنی غذایی هستند. در ادامه، نتایج به صورت توصیفی و با پشتیبانی جدول‌ها و شکل‌ها ارائه شده‌اند تا درک جامعی از پراکنش تم‌ها و دلالت‌های آن‌ها فراهم شود. جدول ۳ نشان می‌دهد که میانگین فراوانی تم‌ها در مطالعات بالای ۷۰٪ است که حاکی از اجماع گسترده در ادبیات داخلی و خارجی درباره چندبعدی بودن باغچه‌های اشتراکی محله‌ای است. درصدهای گزارش شده در جدول ۳ حاصل تقسیم تعداد مطالعاتی است که در آن‌ها یک تم اصلی به عنوان یافته معنادار کدگذاری شده، بر تعداد کل مطالعات (۶۰) و ضرب در ۱۰۰ است. به عنوان مثال، تم «انطباق با ویژگی‌های مکان سوم ایرانی - اسلامی» در ۵۴ مطالعه از ۶۰ مطالعه به عنوان یک مؤلفه کلیدی شناسایی شد که درصد ۹۰٪ را نتیجه داده است. کدگذاری تم‌ها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA و بر اساس فراوانی ارجاع مستقیم یا غیرمستقیم به مفاهیم مرتبط در متن کامل مطالعات انجام شده است. این شیوه محاسبه، ضمن تأمین شفافیت کامل در چگونگی استخراج درصدها، نشان‌دهنده اتکای یافته‌ها به یک فرایند نظام‌مند و کمی شده است و از طریق ارائه معیاری عینی، امکان بازتولید نتایج توسط سایر پژوهشگران را فراهم می‌آورد که خود از معیارهای اساسی اعتبار علمی به شمار می‌رود. برای نمونه، تم اول (انطباق با مکان سوم) در بیش از ۹۰٪ مطالعات مورد تأیید قرار گرفته که نشان‌دهنده قابلیت بالای این فضاها در بومی‌سازی نظریه اولدنبرگ

درک بهتری از چگونگی تبدیل باغچه‌های اشتراکی از یک اقدام محلی به ابزاری مؤثر در احیای هویت کالبدی و اجتماعی در بافت ایرانی پیدا کنیم.



شکل ۴. مقایسه فراوانی تمها در مطالعات فارسی و انگلیسی (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۴)

این نمودار میله‌ای مقایسه‌ای، تفاوت‌های چشمگیری را بین ادبیات داخلی و خارجی نشان می‌دهد. مطالعات فارسی بیشتر بر نقش‌های اجتماعی (۳۵ مورد از ۳۸) و تغذیه‌ای (۳۰ مورد) تمرکز دارند که این امر می‌تواند بازتابی از چالش‌های اقتصادی و اجتماعی ایران در دوره پسا کرونا باشد؛ برای مثال، گزارش‌های شهرداری تهران بر کاهش احساس انزوا و تأمین غذای محلی تأکید دارند [۱۳]. در مقابل، منابع انگلیسی بر نقش زیست‌محیطی (۱۹ مورد) و عوامل تعدیل‌کننده (۱۴ مورد) اولویت می‌دهند که نشان‌دهنده تمرکز جهانی بر پایداری اقلیمی است. این مقایسه نه تنها گواهی بر تنوع دیدگاه‌هاست، بلکه ضرورت اتخاذ رویکردی بومی در طراحی شهری ایران را نیز پررنگ می‌کند؛ رویکردی که در آن مؤلفه‌هایی مانند هویت اسلامی (همچون روحیه تعاون) نقشی اساسی ایفا می‌کنند.



شکل ۵. مؤلفه‌های هویت ایرانی - اسلامی در باغچه‌های اشتراکی محله‌ای (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۴)

شکل ۵ مؤلفه‌های کلیدی هویت ایرانی - اسلامی را به شکلی منظم نشان می‌دهد. این مؤلفه‌ها در ۹۰ درصد از مطالعات بررسی شده، به‌عنوان عواملی شناخته شده‌اند که باغچه‌های اشتراکی را تقویت و بومی‌سازی می‌کنند. مواردی مانند وقف زمین برای استفاده عمومی، تعاون و روابط همسایگی بر پایه ارزش‌های اسلامی، نیکوکاری و انفاق، بازآفرینی الگوی معماری حیاط مرکزی، و ایجاد پیوند با نهادهای مذهبی و محلی، این باغچه‌ها را به فضاهایی با غنای معنوی و اجتماعی تبدیل می‌کنند. جالب اینجاست که این مؤلفه‌ها به طور متوسط در ۸۱ درصد از پژوهش‌ها مورد تأکید قرار گرفته‌اند که نشان می‌دهد هویت ایرانی - اسلامی، مهم‌ترین ویژگی متمایزکننده باغچه‌های اشتراکی ایران در مقایسه با نمونه‌های مشابه در جهان است.

در ادامه، جدول ۴ نمونه‌هایی از نقل‌قول‌های کلیدی و یافته‌های مستخرج از مطالعات منتخب را ارائه می‌دهد تا هر یک از مضامین اصلی را به‌وضوح نمایش دهد. این نقل‌قول‌ها که از منابع داخلی (به زبان فارسی) یا ترجمه‌شده از منابع انگلیسی انتخاب شده‌اند، تنوع دیدگاه‌ها و هماهنگی یافته‌ها با مضامین شناسایی شده را به طور عینی نشان می‌دهند. برای دسترسی به منابع کامل می‌توانید به فهرست مراجع پایان این نوشتار مراجعه کنید.

جدول ۴. نمونه نقل‌قول‌های کلیدی از مطالعات (به نمایندگی از تم‌ها) (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۴)

منبع	نقل قول/یافته کلیدی (انگلیسی اصلی)	نقل قول/یافته کلیدی (فارسی یا ترجمه‌شده)	تم اصلی
(۱۵ و ۷)	“Community gardens function as neutral ground where social hierarchies dissolve”	«باغچه‌های اشتراکی به‌عنوان فضاهای خنثی و فراگیر، تعاملات اجتماعی بدون سلسله‌مراتب را تسهیل می‌کنند»	مکان سوم ایرانی - اسلامی
(۱۸ و ۱۴)	“Significant reduction in social isolation during the COVID-19 lockdown”	«باغچه‌ها در دوران کووید به کاهش انزوای اجتماعی کمک شایانی کردند»	نقش اجتماعی
(۲۳ و ۱۸)	“Urban gardens reduced land surface temperature by ۶.۴۳°C up to”	«باغچه‌های شهری دمای سطحی را تا ۶.۴۳ درجه سلسیوس کاهش می‌دهند»	نقش زیست‌محیطی
(۲۰ و ۱۹)	“Community gardens of ۱۸٪-۱۲ supplied household vegetables”	«باغچه‌های خانگی و اشتراکی دسترسی به سبزی‌های تازه را بهبود می‌بخشند»	نقش تغذیه‌ای
(۲۴ و ۹)	“Climate and governance are key moderating factors”	«اقلیم گرم و کمبود آب چالش اصلی است، اما مشارکت محلی آن را جبران می‌کند»	عوامل تعدیل‌کننده
(۲۵ و ۱۷)	Community gardens “contribute to urban regeneration and social capital”	«باغچه‌ها به احیای هویت شهری و افزایش سرمایه اجتماعی کمک می‌کنند»	پیامدهای بازآفرینی



شکل ۶ و ۷: نمای کلی باغچه اشتراکی رودپارک مشهد (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۴)

شکل ۶ و ۷ نمای کلی از یک باغچه اشتراکی واقعی (رودپارک مشهد) را نشان می‌دهد و به‌عنوان مثالی عملی از کاربرد یافته‌ها عمل می‌کند. این تصاویر تلفیق نقش‌های اجتماعی (تعامل همسایگان)، زیست‌محیطی (فضای سبز) و هویتی (پیوند با فرهنگ بومی) را به‌صورت بصری نشان می‌دهند و دلالت دارد که چنین پروژه‌هایی می‌توانند در بازآفرینی شهری ایران نقش عملی ایفا کنند. بر اساس نتایج، باغچه‌های اشتراکی در بیش از ۸۵ درصد از مطالعات مورد بررسی (۵۲ مطالعه از ۶۰ مورد) به‌عنوان نمونه‌ای تاب‌آور و منطبق با شرایط بومی از «مکان سوم» شناسایی شده‌اند. این فضاها با تلفیق ویژگی‌های هشت‌گانه اولدنبورگ و ارزش‌های ایرانی - اسلامی (مانند وقف، تعاون و نیکوکاری)، پتانسیل بسیار بالایی برای بازآفرینی پایدار بافت‌های قدیمی و فرسوده شهری در ایران دارند. مزایای این باغچه‌ها گسترده است و از کاهش اثر جزیره حرارتی و افزایش امنیت غذایی محلی تا تقویت سرمایه اجتماعی و حس تعلق مکانی را در بر می‌گیرد. دستیابی به این مزایای چندگانه، به‌ویژه تاب‌آوری اقلیمی، مستلزم توجه به یافته‌های جدید درباره «مکان‌یابی استراتژیک» این فضاها در شبکه شهری برای حداکثرسازی اثرات مثبت آنهاست [۲۸]. از دیدگاه مدیریت ریسک و تاب‌آوری شهری، باغچه‌های اشتراکی یک راهبرد تطبیقی و کم‌هزینه به شمار می‌آیند که هم‌زمان ریسک‌های اجتماعی (مانند انزوای پس از همه‌گیری کرونا) و اقلیمی (مانند گرمایش شهری و ناامنی غذایی) را کاهش می‌دهند. این یافته‌ها، باغچه‌های اشتراکی را به‌عنوان الگویی مقرون‌به‌صرفه و مشارکت‌محور معرفی می‌کنند که با اهداف سند ملی بازآفرینی شهری پایدار هم‌خوانی دارد و مبنای محکمی برای ارائه پیشنهادهای کاربردی در سیاست‌گذاری شهری فراهم می‌کند. برای تحقق این الگو، طراحی مدل‌های حکمرانی مشارکتی و شفاف، همان‌گونه که در تجارب موفق جهانی بر آن تأکید شده است [۲۴]، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. علاوه بر این، نتایج این پژوهش که بر نقش چند کارکردی باغچه‌های اشتراکی تأکید دارد، با چارچوب‌های بین‌المللی، مانند: مطالعه Teoule (۲۰۲۵) در مورد «باغچه‌های اشتراکی به‌عنوان مکان سوم طبیعی»، همسو است [۱۵]. باین‌حال، مؤلفه‌های هویت ایرانی - اسلامی (از قبیل وقف، تعاون محله‌ای و ارتباط با نهادهای مذهبی) وجه تمایز و ویژگی بی‌همتایی به این پدیده در بستر ایران می‌بخشد و پاسخی بومی به پرسش «فضای عمومی برای کیست؟» ارائه می‌دهد [۲۶] و آن را به الگویی بومی برای دستیابی به بازآفرینی پایدار تبدیل می‌کند.

۴- نتیجه‌گیری

باغچه‌های اشتراکی محله‌ای در کلان‌شهرهای ایران نمونه‌ای بومی و تاب‌آور از «مکان سوم ایرانی - اسلامی» هستند که پتانسیل بالایی برای بازآفرینی پایدار فضاها عمومی دارند. این پژوهش با مرور نظام‌مند و فراتحلیل کیفی ۶۰ مطالعه منتخب نشان می‌دهد که ترکیب ویژگی‌های هشت‌گانه اولدنبورگ با مؤلفه‌های هویت ایرانی - اسلامی - مانند: وقف زمین برای استفاده عمومی، همکاری میان همسایگان، نیکوکاری، احیای الگوی حیاط مرکزی و پیوند با نهادهای مذهبی و محلی - نه تنها کمبود تعاملات غیررسمی در دوران پساکرونا را جبران می‌کند، بلکه نقش‌های اجتماعی (۸۷٪)، زیست‌محیطی و تاب‌آوری اقلیمی (۸۰٪) و همچنین تغذیه‌ای و امنیت غذایی محلی (۷۳٪) را در بازآفرینی محله‌ها ایفا می‌نماید. این باغچه‌ها علاوه بر کارکردهای زیست‌محیطی، به بازسازی هویت

کالبدی - اجتماعی (۸۳٪) در بافت‌های فرسوده شهری کمک کرده و فضایی معنادار برای تقویت سرمایه اجتماعی، حس تعلق مکانی و تاب‌آوری محله‌ای ایجاد می‌کنند.

باوجود دقت در انتخاب مطالعات منتشرشده بین سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۴، این پژوهش ممکن است برخی از تجربیات محلی و پروژه‌های در حال اجرا را پوشش نداده باشد. همچنین به دلیل ماهیت مروری و فراتحلیلی این پژوهش، داده‌های میدانی مستقیم و ارزیابی‌های تجربی بلندمدت در آن جای نگرفته است. عواملی مانند کیفیت و در دسترس بودن منابع اولیه و همچنین احتمال سوگیری در انتشار مطالعات، از دیگر محدودیت‌هایی هستند که بر یافته‌های این پژوهش تأثیر گذاشته‌اند. فراتر از محدودیت‌های روش‌شناختی این مطالعه، یافته‌ها نشان می‌دهند که خود پدیده باغچه‌های اشتراکی در مواجهه با بستر واقعی شهرهای ایران با چالش‌های اجرایی ساختاری روبه‌روست. مبهم بودن وضعیت مالکیت و حقوقی زمین‌های شهری، به‌ویژه در تلفیق با نهاد وقف، کمبود منابع آبی پایدار و سیستم‌های آبیاری بهینه در اقلیم خشک ایران، ضعف در مکانیسم‌های حکمرانی مشارکتی بین نهادهای عمومی، سازمان‌های مردم‌نهاد و ساکنان، و نبود پشتیبانی مالی و بیمه‌ای بلندمدت، از جمله موانع عمده پایدارسازی این پروژه‌ها هستند [۲۴]. این چالش‌ها تأکید می‌کنند که موفقیت باغچه‌های اشتراکی به‌عنوان مکان سوم، افزون بر طراحی کالبدی و انگیزش اجتماعی، نیازمند چارچوب حقوقی شفاف، مدل‌های مالی پایدار و سازوکارهای حکمروایی محلی منعطف است.

با در نظر گرفتن نتایج و محدودیت‌های یادشده، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده مسیرهای زیر را دنبال کنند:

۱. گسترش پهنه مکانی مطالعات با اولویت شهرهای متوسط و کوچک: با توجه به تمرکز مطالعات موجود بر کلان‌شهرها، انجام پژوهش‌های میدانی در شهرهای متوسط، کوچک و سکونتگاه‌های حاشیه‌ای کلان‌شهرها ضروری است. این مطالعات ضمن افزایش قابلیت تعمیم‌پذیری یافته‌ها، نقش عوامل بافتی نظیر مقیاس شهر، تراکم جمعیت، دسترسی به منابع و ساختارهای اجتماعی - فرهنگی متفاوت را در شکل‌گیری و موفقیت باغچه‌های اشتراکی آشکار خواهند ساخت.
۲. واکاوی ابعاد اقتصادی و مدل‌های حکمرانی: بررسی الگوهای درآمدزایی پایدار، سازوکارهای حقوقی تخصیص زمین، و مدل‌های نوین حکمرانی مشارکتی با الهام از تجارب موفق بین‌المللی [۲۴] برای تضمین تداوم و گسترش این پروژه‌ها.
۳. ارزیابی بلندمدت و پیامدسنجی: سنجش اثرات بلندمدت باغچه‌های اشتراکی بر شاخص‌های عینی تاب‌آوری شهری (اقلیمی، اجتماعی، اقتصادی)، تحول سرمایه اجتماعی و دگرگونی‌های هویت کالبدی - اجتماعی محلات.
۴. ادغام در نظام برنامه‌ریزی: پژوهش‌های کاربردی درباره سازوکارهای ادغام باغچه‌های اشتراکی در نظام مدیریت یکپارچه فضای سبز، برنامه‌ریزی محله‌ای و طرح‌های بالادست شهری با در نظر گرفتن اصول «مکان‌یابی استراتژیک» برای افزایش تاب‌آوری کلی شهر [۲۸].

در پایان، باغچه‌های اشتراکی محله‌ای به‌عنوان الگویی کم‌هزینه، مشارکتی و چندکاربره، با ادغام در سیستم مدیریت فضای سبز و برنامه‌ریزی محیط‌زیست شهری، می‌توانند اجرای موفق «سند ملی بازآفرینی شهری پایدار» را تسهیل کرده و شاخص‌های پایداری و تاب‌آوری را در کلان‌شهرهای ایران ارتقا دهند. این ظرفیت به‌ویژه در تحقق دو هدف کلیدی سند، یعنی مشارکت شهروندی و احیای هویت محله‌ای، متجلی می‌شود. این پژوهش با ارائه چارچوبی بومی برای «مکان سوم ایرانی - اسلامی»، باغچه‌های اشتراکی را نه فقط یک فضای سبز، بلکه ابزاری فرهنگ‌محور و چندبُعدی برای بازآفرینی پایدار فضاهای عمومی و احیای هویت شهری در ایران معرفی می‌کند.

۵- تشکر و قدردانی

این مقاله از طرح پسادکتری دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) با عنوان: تأثیر باغچه‌های اشتراکی محله‌ای (Community Garden) در فضاهای عمومی شهر به‌منظور حضور و مشارکت شهروندان با راهنمایی: آقای دکتر مهدی زندیه به شماره قرارداد ۵/۱/۲۷۰۵۹۹ استخراج گردیده است. این مقاله حامی مادی و معنوی دیگری ندارد.

۶- منابع و مراجع

۱. پاکزاد، ج. (۱۴۰۰). مبانی نظری و فرایند طراحی شهری. تهران: انتشارات شهیدی.
۲. حبیبی، س.م. (۱۴۰۱). از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۳. شاطریان، م.، و اشنویی، ا.، و گنجی پور، م. (۱۳۹۳). طبیعت و شهر در تعالیم و فرهنگ اسلامی. کاشان: انتشارات مرسل.
۴. جعفری خالدی، هانیه و خاک زند، مهدی. (۱۴۰۳). واکاوی نقش عناصر منظر شهری بر خلق مکان سوم: مروری بر ادبیات تحقیق. *مطالعات طراحی شهری ایران*، ۱(۲)، ۱۵۸-۱۴۳. doi: 10.22099/iuds.2025.52175.1023
۵. سعیدی مفرد، س.، و روحانی چولائی، ا. (۱۳۹۲). بازبینی نقش شهرسازی ایرانی - اسلامی در ارتقای هویت فضای شهری. دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، تبریز. <https://civilica.com/doc/289690>
۶. محمدزاده مستان آباد، س.، و قربانی نیا، ا. (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر اجتماع پذیری و تعاملات اجتماعی در طراحی فضاهای عمومی. دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم جغرافیا و برنامه ریزی، معماری و شهرسازی، تهران. <https://civilica.com/doc/423680>
7. Oldenburg, R., & Brissett, D. (1982). The third place. *Qualitative sociology*, 5(4), 265-284. [10.1007/BF00986754](https://doi.org/10.1007/BF00986754)
8. Mehta, V. (2014). Evaluating public space. *Journal of Urban Design*, 19(1), 53-88. <https://doi.org/10.1080/13574809.2013.854698>
9. Tomaz, E., & Tabrizi, H. A. (2024). The evolution of non-traditional workplaces: From third places to hybrid places. In *Evolution of new working spaces: Changing nature and geographies* (pp. 7-20). Cham: Springer Nature Switzerland.
۱۰. پور جعفر، ع.، و پور جعفر، م. (۱۳۹۳). فضاهای شهری نیمه عمومی سرپوشیده سنتی ایرانی اسلامی در مقایسه با پاساژهای فرانسوی؛ نمونه‌های موردی: تیمچه‌های امین‌الدوله و بزرگ قم. *نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر*، ۱۳، ۱۸۲-۱۶۹. <https://magiran.com/p1406081>
۱۱. سند ملی بازآفرینی شهری پایدار (۱۴۰۳). مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران.
۱۲. محمودی سفیدکوهی، ع.، و نورانی کوتنائی، ز.، و رسولی، م. (۱۴۰۰). بررسی مشارکت شهروندان در بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری (مورد مطالعه: مناطق شهر ساری)، اولین کنفرانس بین‌المللی معماری، شهرسازی، عمران و محیط‌زیست، وولفسبورگ آلمان. <https://civilica.com/doc/1359337>
۱۳. شهرداری تهران. (۱۴۰۳). گزارش طرح جامع باغچه‌های محله‌ای شهر تهران. تهران: معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران. <https://shahr.ir>
14. Joshi, N., & Wende, W. (2022). Physically apart but socially connected: Lessons in social resilience from community gardening during the COVID-19 pandemic. *Landscape and Urban Planning*, 223, 104418. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2022.104418>
15. Teoule, F. (2025). Community gardens as natural third places: a conceptual framework. *Contemporary Social Science*, 1-23. <https://doi.org/10.1080/21582041.2025.2587880>
16. Yang, E., Bisson, C., & Sanborn, B. E. (2019). Coworking space as a third-fourth place: changing models of a hybrid space in corporate real estate. *Journal of Corporate Real Estate*, 21(4), 324-345. <https://doi.org/10.1108/JCRE-12-2018-0051>
17. Roberts, P., Sykes, H., & Granger, R. (2017). Social and Community Issues. In *Urban Regeneration* (pp. 99-112). SAGE Publications Ltd.
18. Shoghi, F., Hosseini, S. M., Heidari, S., Wang, J., Mahdavinejad, M., & Attia, S. (2025). Human Interaction with Urban Morphology under the Influence of Urban Heat Island: A Systematic Review. *Journal of Daylighting*, 12(2), 468-490. doi: 10.15627/jd.2025.28
19. Firth, C., Maye, D., & Pearson, D. (2011). Developing "community" in community gardens. *Local Environment*, 16(6), 555-568. DOI: 10.1080/13549839.2011.586025

20. Alaimo, K., Beavers, A. W., Crawford, C., Snyder, E. H., & Litt, J. S. (2016). Amplifying health through community gardens: A framework for advancing multicomponent, behaviorally based neighborhood interventions. *Current environmental health reports*, 3(3), 302-312. DOI: [10.1007/s40572-016-0105-0](https://doi.org/10.1007/s40572-016-0105-0)
21. Page, M. J., McKenzie, J. E., Bossuyt, P. M., et al. (2021). The PRISMA 2020 statement: an updated guideline for reporting systematic reviews. *BMJ*, 372, n71. <https://doi.org/10.1136/bmj.n71>
22. Sandelowski, M., Barroso, J., & Voils, C. I. (2007). Using qualitative metasummary to synthesize qualitative and quantitative descriptive findings. *Research in nursing & health*, 30(1), 99-111. <https://doi.org/10.1002/nur.20176>
23. Ashinze, U. K., Edeigba, B. A., Umoh, A. A., Bui, P. W., & Daraojimba, A. I. (2024). Urban green infrastructure and its role in sustainable cities: A comprehensive review. *World Journal of Advanced Research and Reviews*, 21(2), 928-936. <https://doi.org/10.30574/wjarr.2024.21.2.0519>
24. Ponstingel, D. (2022). The governance of community gardens as commons and its role in the socio-ecological outcomes of gardening in Austin, Texas, USA. *Socio-Ecological Practice Research*, 4(4), 355-376. DOI: [10.1007/s42532-022-00133-7](https://doi.org/10.1007/s42532-022-00133-7)
25. Raneng, J., Howes, M., & Pickering, C. M. (2023). Current and future directions in research on community gardens. *Urban Forestry & Urban Greening*, 79, 127814. <https://doi.org/10.1016/j.ufug.2022.127814>
26. Madanipour, A. (2021). Whose public space? International case studies in urban design and development. In *Public space reader* (pp. 436-443). Routledge.
27. Erfani, G. (2022). Reconceptualising sense of place: Towards a conceptual framework for investigating individual-community-place interrelationships. *Journal of Planning Literature*, 37(3), 452-466. <https://doi.org/10.1177/08854122221081109>
28. Kukukaite, D., Bartorila, M. Á., & Gutiérrez-Antonio, C. (2025). Improvement of the General Resilience of Social–Ecological Systems on an Urban Scale Through the Strategic Location of Urban Community Gardens. *Urban Science*, 9(6), 229. <https://doi.org/10.3390/urbansci9060229>
29. Cohen, J. (1960). A coefficient of agreement for nominal scales. *Educational and Psychological Measurement*, 20(1), 37-46. doi: [10.1177/001316446002000104](https://doi.org/10.1177/001316446002000104)